



## دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان‌نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در

رشته زبان‌شناسی همگانی

عنوان

بازنمود استعاره‌ی مفهومی عشق در زبان ناشنویان بالغ در مقایسه با شنوایان فارسی زبان

استادهای راهنما

دکتر فریده حق‌بین

دکتر آریانا افراشی

استاد مشاور

دکتر زهره قاری

دانشجو

ساراموسوی‌نسب

خرداد ۱۳۹۲



کلیه‌ی دستاوردهای این پژوهش متعلق به دانشگاه الزهراء (س) است.

به پدر و مادرم

خواهر مهربانم.

و همسرم، به پاس همراهی همیشگی اش.

## تشکر و سپاسگزاری

لازم می‌دانم مراتب تشکر و سپاسگزاری خود را از تمامی کسانی که به نحوی در این پروژه تحقیقاتی به اینجانب یاری رساندند، اعلام دارم. استادان محترم راهنما سرکار خانم دکتر حق‌بین و سرکار خانم دکتر افراشی که همواره به راهنمایی اینجانب می‌پرداختند و روابط ایشان با اینجانب و رای روابط استاد شاگردی بود.

استاد مشاور محترم سرکار خانم دکتر قاری که بدون شک بدون راهنمایی‌های ارزشمند وی انجام این پروژه غیر ممکن می‌نمود. استاد محترم جناب آقای دکتر ساسانی که بی دریغ به راهنمایی اینجانب پرداختند و سرکار خانم دکتر قطره که همواره یاری رسان و مشوق من در طول انجام پروژه بود.

همچنین از ناشنوایان محترم و عزیز که خالصانه مرا در تمامی این مسیر یاری نمودند تشکر می‌نمایم به ویژه دوست عزیز و مهربانم کتابون گیتی و

یاشار زندی

سوسن آرام

اردشیر مجاوریان

اردوان گیتی

علی فریدی

علیرضا شیب زاده

غلام رضا فراهانی

مسعود زرنندی

و کلیه دوستان خوبم در کانون ناشنوایان تهران

## چکیده

این پایان‌نامه به بررسی بازنمود استعاره مفهومی عشق در زبان ناشنوایان و بررسی تفاوت‌های آن با فارسی‌زبانان شنوا صورت پذیرفت. به این منظور با ۲۸ ناشنوا حول محور احساسات و روابط عاشقانه مصاحبه انجام شد که نتایج ۱۰ مورد به طور کامل علاوه بر مصاحبه، ضبط و ثبت تصویری نیز قرار گرفت. به منظور دستیابی به یک جامعه آماری گسترده که دربرگیرنده محدوده وسیعی از پراکندگی سنی، فرهنگی، اعتقادی و سایر موارد مشابه جامعه ناشنوایان کشور باشد، مصاحبه‌شوندگان از طرق مختلف از جمله کانون زبان ناشنوایان تهران، سایت‌های اینترنتی متعلق به جامعه ناشنوایان و معرفی از طریق مراکز بهزیستی شناسایی و پس از کسب اجازه مصاحبه شدند. در انتها چگونگی ساخت و دامنه استفاده از استعاره‌های مفهومی عشق، بین فارسی‌زبانان شنوا و زبان اشاره طبیعی ایرانی بر مبنای قلمروهای متعارف مبدا کووچش (۲۰۰۲) در فرآیند استعاره‌سازی مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج این پایان‌نامه وجود استعاره در زبان اشاره طبیعی ناشنوایان را مورد تایید قرار داده و نشان می‌دهد که اگر چه به طور کلی دامنه ساخت و استفاده از استعاره نزد ناشنوایان نسبت به فارسی‌زبانان شنوا محدودتر است، اما در برخی قلمروها از جمله مواردی که از ظرفیت‌های زیستی بدن انسان و تجربه‌های جسمانی نشأت گرفته‌اند، استعاره مفهومی عشق در اشاره‌های زبان اشاره طبیعی به طور گسترده توسط ناشنوایان مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته این استعاره‌ها غالباً مرتبط با تجربه‌های فیزیکی آنان از جهان واقع به وجود آمده‌اند و لزوماً منطبق بر زبان گفتاری فارسی‌زبانان نیستند.

**واژه‌های کلیدی:** نظریه استعاره مفهومی، استعاره‌ی عشق، زبان اشاره ایرانی، زبان اشاره‌ی طبیعی

## فهرست مطالب

عنوان شماره	صفحه
چکیده.....ح	
فصل اول: کلیات پژوهش..... ۵	
۱-۱- مقدمه..... ۶	
۲-۱- مسأله پژوهش..... ۷	
۳-۱- هدف‌ها و ضرورت پژوهش..... ۷	
۴-۱- پرسش‌های پژوهش..... ۸	
۵-۱- فرضیه‌های پژوهش..... ۸	
۷-۱- محدودیت‌های پژوهش..... ۹	
۸-۱- سازمان بندی پژوهش..... ۹	
فصل دوم: پیشینه پژوهش..... ۱۱	
۱-۲- مقدمه..... ۱۲	
۲-۲- مطالعاتی با رویکرد شناختی درباره‌ی استعاره..... ۱۲	
۱-۲-۲- مطالعات زبان‌شناسان ایرانی..... ۱۲	
۲-۲-۲- مطالعات زبان‌شناسان غیرایرانی..... ۱۴	

۱۸	۳-۲- مطالعاتی با رویکرد شناختی درباره‌ی استعاره مفهومی در زبان اشاره.....
۱۸	۱-۳-۲- مطالعات زبان‌شناسان ایرانی.....
۲۰	۲-۳-۲- مطالعات زبان‌شناسان غیرایرانی.....
۲۴	۴-۲- خلاصه فصل.....
۲۵	فصل سوم: مباحث نظری.....
۲۶	۱-۳- مقدمه.....
۲۶	۲-۳- استعاره در دیدگاه فلسفه.....
۳۰	۳-۳- استعاره در دیدگاه زبان‌شناسی شناختی.....
۳۳	۴-۳- نظریه استعاره‌ی مفهومی.....
۳۵	۱-۴-۳- اجزاء استعاره مفهومی.....
۳۶	۲-۴-۳- انواع استعاره مفهومی.....
۳۸	۱-۲-۴-۳- استعاره جهت‌ی.....
۳۹	۲-۲-۴-۳- استعاره‌های هستی‌شناختی.....
۳۹	۱-۲-۲-۴-۳- استعاره هستار یا مواد.....
۴۰	۲-۲-۲-۴-۳- استعاره‌ی ظرف.....
۴۱	۳-۲-۲-۴-۳- استعاره شخص‌انگاری.....
۴۱	۳-۲-۴-۳- استعاره‌های ساختاری.....
۴۳	۵-۳- قلمروهای مبدأ و مقصد.....
۴۴	۱-۵-۳- قلمروهای متعارف مبدأ.....
۴۶	۲-۵-۳- قلمروهای متعارف مقصد.....
۴۹	۶-۳- استعاره‌های عواطف.....
۵۰	۷-۳- مفهوم عشق و دوست‌داشتن.....



۵۲	۸-۳- زبان اشاره
۵۳	۹-۳- زبان اشاره‌ی فارسی
۵۴	۱-۹-۳- فضای اشاره
۵۵	۲-۹-۳- اندام‌های اشاره
۵۷	۳-۹-۳- اجزای تشکیل دهنده‌ی اشاره‌های دستی
۵۸	۱-۳-۹-۳- جایگاه تولید اشاره
۵۹	۲-۳-۹-۳- شکل دست‌ها
۶۱	۳-۳-۹-۳- حرکت دست‌ها
۶۱	۴-۳-۹-۳- جهت‌گیری فضایی دست‌ها
۶۱	۴-۹-۳- انواع اشاره‌های دستی بر حسب دخالت دست‌ها
۶۲	۱-۴-۹-۳- اشاره‌های یک‌دستی
۶۲	۲-۴-۹-۳- اشاره‌های دو دستی
۶۲	۳-۴-۹-۳- اشاره‌های مرکب
۶۳	۱۰-۳- خلاصه فصل سوم
۶۴	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها
۶۵	۱-۴- مقدمه
۶۵	۲-۴- گستردگی جامعه آماری
۶۷	۳-۴- قلمروهای متعارف مبدا
۸۶	۴-۴- خلاصه‌ی فصل
۸۷	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۸۸	۱-۵- مقدمه
۸۹	۲-۵- مروری بر فصل‌های پیشین

۵-۳- بررسی پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش..... ۸۹

۵-۳-۱- پاسخ پرسش اول..... ۹۰

۵-۳-۲- پاسخ پرسش دوم..... ۹۱

کتاب‌نامه..... ۹۵

# فصل اول

## کلیات پژوهش

## ۱-۱- مقدمه

قلمرو اصلی این تحقیق، بررسی استعاره<sup>۱</sup> و روشن کردن ویژگی و کارکردهای آن در زبان اشاره، با تعریف که جورج لیکاف<sup>۲</sup> و مارک جانسون<sup>۳</sup>، دو تن از دانشمندان شناختی، ارائه می‌کنند. بیش از دو هزار سال استعاره در قالب بلاغت<sup>۴</sup> مطالعه می‌شد. بلاغت استعاره به مثابه ابزاری در خدمت زبان مجازی و ادبی بود، تا زیبایی زبان را بیشتر کند و جذابیت بیشتری به آن ببخشد. مطالعات زبانشناسی شناختی در چند دهه‌ی اخیر، ماهیت جدیدی برای استعاره تعریف کرد که براساس آن، استعاره فقط آرایه‌ی ادبی یا یکی از صور کلام نیست، بلکه فرایندی فعال در نظام شناختی بشر محسوب می‌شود. تحقیقات لیکاف و جانسون نشان داد که کاربردهای استعاره، محدود به حوزه‌ی مطالعات ادبی و کاربرد واژه، عبارت یا جمله نیست؛ استعاره، نقش مهمی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور دارد و در حقیقت یک مدل فرهنگی در ذهن ایجاد می‌کند که زنجیره‌ی رفتاری طبق آن برنامه ریزی می‌شود. از این دیدگاه استعاره برحسب ضرورت و نیاز بشر به درک و بازنمایی پدیده‌های ناآشنا، با تکیه بر ساخت واژه‌ها و اطلاعات قبلی شکل می‌گیرد و نقشی به‌سزا در جولان فکری و تخیل ایفا می‌کند. هم‌چنین تعداد زیادی از طبقه بندی‌ها و استنباط‌های ما برحسب استعاره‌ها صورت می‌گیرند و بسیاری از مفاهیم، به خصوص مفاهیم انتزاعی، از طریق انطباق استعاره‌ی اطلاعات و انتقال دانسته‌ها از زمینه‌ای به زمینه‌ی دیگر، نظم می‌یابند. بدین ترتیب توجه به بیان استعاره، به ویژه از این نظر اهمیت دارد که تبیین جدیدی از کارکرد مغز در برخورد با جهان پیرامون در اختیارمان می‌گذارد. از این منظر بررسی و تحلیل "نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی"<sup>۵</sup> نه تنها از باب چالش‌های آن با فرضیات کهن درباره‌ی ماهیت معنا، تفکر و زبان، بلکه از نظر طرح نگرش جدیدی از استعاره به مثابه یکی از ادوات مهم زبان ادبی، ضروری به نظر می‌رسد.

از مواردی که حضور استعاره مفهومی در آن بسیار پر رنگ است، حوزه عواطف و احساسات است. عشق نیز یکی از مفاهیم استعاره‌ی است که نگارنده در نظر دارد با بررسی بازنمود آن در زبان اشاره ناشنوایان، زمینه‌ای برای شناخت هرچه بیشتر ذهن پیچیده آدمی فراهم کند و بتواند تا حدی آغازگر پژوهش‌های بعدی در این زمینه باشد. برای درک ناشنوایان بیش از هرچیز باید نحوه‌ی ارتباط آنها را با جهان خارج درک کرد. یعنی نحوه‌ی کسب اطلاعات از جهان پیرامون، پردازش و درک اطلاعات و انتقال افکار و احساسات خود به دیگران. ناشنوایی پدیده‌ای پیچیده است که نوع ارتباط، زندگی روزمره و فرهنگ متفاوتی را پیش روی فرد قرار می‌دهد. اصطلاح ناشنوایی به نبود حس شنوایی دلالت دارد اما بیش از آنکه این ویژگی جسمانی باعث نزدیکی ناشنوایان به یکدیگر باشد، تجربه‌های مشترک آنان در زمینه‌ی رابطه با والدین و خانواده، هم سن و

---

<sup>1</sup> metaphor

<sup>2</sup> G.M. Lakoff

<sup>3</sup> M. Johnson

<sup>4</sup> rhetoric

<sup>5</sup> The conceptual theory of metaphor

سالان و دارابودن هویت گروهی به خاطر استفاده از زبان اشاره‌ی مشترک در برقراری ارتباط با یکدیگر باعث شده است که افراد این اجتماع از دیگر افراد جامعه متمایز شوند و با یکدیگر احساس همبستگی کنند (بتیسن، ۱۹۷۱).

### ۱-۲- مسأله پژوهش

استعاره از مفاهیم بسیار پراهمیت در زبان‌شناسی شناختی محسوب می‌شود به این ترتیب در رویکرد شناختی استعاره عنصری بنیادی و اساسی در مقوله بندی و درک انسان از جهان خارج آدمی است (لیکاف، ۱۹۸۰). زبان‌شناسی شناختی بر این اندیشه استوار است که استعاره به زبان روزمره وارد می‌شود و کمتر کسی است که از شکل‌های مختلف استعاره در مکالمه روزمره استفاده نکند. در نتیجه ما می‌توانیم مفاهیم انتزاعی همچون خشم، عشق، نفرت و... را در قالب تصورات فیزیکی و ملموس و به شیوه‌های استعاری بیان کنیم. در چهارچوب نظریه‌ی شناختی استعاره (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰، لیکاف، ۱۹۸۷) استعاره‌های احساسی<sup>۱</sup> یکی از حوزه‌های مهم تحقیقاتی به شمار می‌روند. از جمله مفاهیم احساسی و انتزاعی که برای بیان آن چاره‌ای جز استفاده از استعاره نداریم قلمرو "عشق" است. زبان عشق بسیار پیچیده است. علی‌رغم این که عشق یک تجربه جهانی است، اما نحوه‌ی بیان آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر، از کشوری به کشور دیگر و یا حتی از فردی به فرد دیگر متفاوت است. این پژوهش در نظر دارد با تکیه بر نظریه استعاره مفهومی به بازنمود عشق در زبان اشاره پرداخته، عبارت‌های استعاری بیان‌کننده عشق در این زبان را مورد بررسی قرار دهد و از این رهگذر توصیفی از استعاره‌های موجود در زبان اشاره ایرانی ارائه دهد.

### ۱-۳- هدف‌ها و ضرورت پژوهش

هدف از این پژوهش بازنمود استعاره عشق در زبان اشاره ایرانی در قالب شناختی است. درباره‌ی زبان اشاره‌ی فارسی هنوز نگرش‌های نادرستی در محافل آموزشی حاکم است و این امر به دلیل کمبود پژوهش در این حوزه است. همچنین به تبع آن مسائل آموزشی ناشنوایان در ایران از جمله مسائل پیچیده‌ای است که طرح پژوهشهایی در قلمرو زبان و فرهنگ ناشنوایان می‌تواند به حل این مسائل کمک کند. انجام پژوهشهایی در معرفی زبان اشاره می‌تواند کارکردهای واقعی زبان اشاره را که همچون زبانهای طبیعی دیگر برطرف‌کننده‌ی نیازهای ارتباطی انسانهاست، روشن کند و به تدریج زبان اشاره جای خود را در آموزش باز کند. سطح دانش زبان فارسی ناشنوایان در مقایسه با همسالان شنوای خود بسیار پایین است و از آنجا که آنان در جامعه‌ی فارسی زبان زندگی می‌کنند، در ارتباط‌های خود با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند. با درک بهتر زبان و فرهنگ ناشنوایان می‌توان روش‌های مؤثرتری برای آموزش راهکارهایی در زمینه حل مشکلات عاطفی به آنان پیدا کرد. ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی ریشه در نیاز ناشنوایان یا کم‌شنوایان به برنامه‌های آموزشی در بافت گروهی دارد، برنامه‌هایی که انگیزه ناشنوایان را در برقراری رابطه احساسی با دیگران برانگیخته و همچنین آنها را به داشتن دید و آگاهی وسیعی از جامعه اطرافشان ترغیب نماید. نکته‌ی

<sup>۱</sup> emotional metaphors

مهم دیگر آن است که زبان اشاره‌ی ایرانی یکی از زبانهای ایرانی امروز است و ضعف تحقیق درباره‌ی این زبان ایرانی باید برطرف شود. از این رو جلب توجه زبان‌شناسان به این زبان و شناخت آن دارای اهمیت است.

#### ۱-۴- پرسش‌های پژوهش

در این تحقیق پاسخ به این پرسشها مدنظر بوده است:

۱- دامنه استعاره‌های مفهومی در زبان اشاره ایرانی چه محدوده‌ای است؟

۲- استعاره‌های مفهومی در زبان ناشنویان و شنوایان بالغ چه تفاوت‌هایی نشان می‌دهد؟

#### ۱-۵- فرضیه‌های پژوهش

۱- به نظر می‌رسد حوزه‌های واژگانی در حیطه بازنمود استعاره مفهومی عشق نزد ناشنویان بسیار محدودتر از این حوزه‌ها نزد شنوایان است.

۲- استعاره‌های مفهومی در زبان ناشنویان در مقایسه با زبان شنوایان به لحاظ کمی و حوزه‌های نگاشت تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد.

#### ۱-۶- روش‌شناسی

در بخش‌های زیر ویژگی‌های جامعه آماری و همچنین روش گردآوری داده‌ها به تفصیل شرح داده خواهد شد.

#### ۱-۶-۱- جامعه‌ی آماری

افراد شرکت‌کننده در این تحقیق ۲۸ نفر از گروه‌های سنی مختلف بین ۱۹ تا ۶۳ ساله بودند که همگی یا متاهل بوده و یا تجربه رابطه عاشقانه را داشته‌اند. بیشتر شرکت‌کننده‌ها در خانه و خانواده‌ی خود و همچنین جمع‌های ناشنویان از زبان اشاره طبیعی استفاده می‌کردند. اطلاعات به دست آمده از هر یک از شرکت‌کننده‌ها ضبط شد. سپس با مشاهده‌ی فیلم‌های تهیه شده و ترجمه‌ی آنها با کمک یکی از ناشنویان که به زبان اشاره و همچنین زبان فارسی تسلط داشت، اشاره‌های که مربوط به بازنمود عشق به زبان اشاره‌ی طبیعی بود، مشخص شد.

#### ۱-۶-۲- روش گردآوری داده‌ها

داده های این تحقیق از طریق ضبط فیلم و مصاحبه با ناشنوایان به دست آمد. محتوای فیلمهای تهیه شده، صحبت‌های طبیعی ناشنوایان در پاسخ به سوالات مطرح شده حول محور احساسات و روابط عاشقانه افراد بوده است. بدین ترتیب که ناشنوایان شرکت‌کننده به صورت انفرادی در مقابل دوربین خاطرات خود را بازگو می‌کردند. سپس در بسیاری از موارد به ناچار از نظام نوشتاری فارسی برای بیان واژگان و جملات زبان اشاره استفاده شده است زیرا زبان اشاره نظام نوشتاری ندارد و هنوز روش استاندارد و فراگیری برای نوشتن جملات زبانهای اشاره وجود ندارد. در مقالات و کتابهایی هم که درباره‌ی زبانهای اشاره‌ی امریکایی، انگلیسی و ایتالیایی و ... نوشته شده‌اند، از نظام نوشتاری زبانهای گفتاری برای نوشتن زبان اشاره استفاده شده است. اما برای تمایز قائل شدن میان واژگان فارسی و اشاره‌های زبان اشاره، از حروف بزرگ و فاصله بین آن‌ها برای نشان دادن اشاره‌ها استفاده شده است. لازم به ذکر است که روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به شیوه‌ی توصیفی است.

### ۱-۷- محدودیت‌های پژوهش

مهم‌ترین مشکل در انجام این تحقیق عدم تسلط پژوهشگر به زبان اشاره‌ی فارسی بود. به منظور حل این مشکل در طول تحقیق از یک مترجم (زبان اشاره) کمک گرفته شد که خود این امر در عمل محدودیت‌هایی ایجاد کرد. از آنجا که تاکنون پژوهشی درباره‌ی زبان‌شناسی زبان اشاره در ایران انجام نشده است، به‌منظور اتخاذ بهترین شیوه برای گردآوری داده‌ها زمان قابل توجهی صرف روش‌شناسی تحقیق حاضر شد. یکی دیگر از مشکلات پیش روی این پژوهش، نبود منابع قابل استناد درباره‌ی زبان اشاره‌ی فارسی بود. همچنین عدم دسترسی به منابع مربوط به زبان‌شناسی سایر زبان‌های اشاره مشکل بزرگ دیگر در این تحقیق بود. علاوه بر این‌ها، از آنجا که زبان اشاره‌ی زبانی دیداری است، برای مطالعه و بررسی آن ضبط تصویر و تهیه‌ی فیلم و عکس بسیار ضروری است. جلب اعتماد ناشنوایان برای تهیه‌ی فیلم و ترتیب دادن قرارهای ملاقات یکی دیگر از دشواری‌های این پژوهش بود که زمان زیادی صرف آن شد. مشکل عام‌تری که در مطالعه‌ی همه‌ی زبان‌های اشاره وجود دارد این است که در حقیقت در زبان اشاره به راحتی نمی‌توان مرز مشخصی میان ساخت‌های صرفاً زبانی و سایر رمزگان‌های ارتباطی غیر زبانی قائل شد. حتی باوجود آن‌که گاه از "زبانی" بودن بعضی ساخت‌ها اطمینان حاصل می‌شود، بازهم تشخیص نوع کارکرد زبانی آن ساخت کار آسانی نیست.

### ۱-۸- سازمان بندی پژوهش

پژوهش حاضر شامل پنج فصل است. در فصل اول، مسأله پژوهش، هدف‌ها، پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش مطرح شده است. فصل دوم به پیشینه‌ی پژوهش که به پژوهش‌های اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی می‌پردازد، اختصاص دارد. فصل سوم مربوط به مبانی نظری پژوهش حاضر است که استعاره از دیدگاه شناختی و همچنین مفاهیم بنیادی در مطالعات زبان اشاره، را معرفی می‌کند. در فصل چهارم داده‌های جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در فصل پنجم پاسخ پرسش‌ها، نتایج اصلی، دستاوردهای دیگر و نیز پیشنهاد‌هایی برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود.





# فصل دوم

## پیشینه پژوهش

## ۲-۱- مقدمه

این فصل ابتدا به بررسی اجمالی پژوهش‌ها و مطالعات صورت پذیرفته بر روی استعاره مفهومی از منظر زبان‌شناسی شناختی در میان پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی می‌پردازد. در ادامه با در نظر گرفتن این مطلب که نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون باب جدیدی در توصیف زبان‌های اشاره با توجه به نمادگرایی موجود در آن‌ها ایجاد کرده است؛ به بررسی مطالعاتی که از منظر زبان‌شناسی در این خصوص صورت گرفته می‌پردازد. این پژوهش در میان زبان‌شناسان ایرانی دارای پیشینه مستقیم نیست اما شایان ذکر است که دانشگاه توانبخشی و بهزیستی در ایران دامنه وسیعی از مطالعات را در حوزه ناشنوایان انجام داده است. در بخش مطالعات غیر ایرانی نیز به مواردی از مطالعات صورت گرفته در حوزه استعاره‌های مربوط به قلمرو عواطف مخصوصاً عشق در زبان‌های اشاره آمریکایی، انگلیسی و ایتالیایی پرداخته می‌شود.

## ۲-۲- مطالعاتی با رویکرد شناختی درباره‌ی استعاره

باید یادآور شد مطالعاتی با رویکرد شناختی درباره‌ی استعاره انجام شده که در ادامه به طورخاص به پژوهش‌های شناختی انجام شده در مورد استعاره‌ی احساس می‌پردازیم:

## ۲-۲-۱- مطالعات زبان‌شناسان ایرانی

روچی (۱۳۸۷) با بررسی استعاره‌ی احساسات، کاربرد استعاری هفت احساس مختلف یعنی عشق، غم، شادی، نفرت، نگرانی، خشم و ترس در زبان فارسی را در چارچوب نظری لیکاف مورد بررسی قرار می‌دهد. داده‌های این پژوهش برگرفته از متن‌های معاصر فارسی (۳رمان، ۱داستان، و ۶مجموعه داستان) است. ابتدا استعاره‌های احساسات از این متن‌ها استخراج شده، سپس داده‌های آماری برای آن‌ها ارائه گردیده و درنهایت خشم به عنوان احساسی که در اکثر داستان‌ها بیش‌ترین بسامد را داشته، معرفی شده است. وی معتقد است بسیاری استعاره‌ها بین زبان‌ها مشترک‌اند مانند استعاره‌ی "خشم آتش است". اندک تفاوت موجود میان استعاره‌ها، ناشی از نگرش متفاوت گویشوران هر زبان نسبت به آن احساس است. باورهای فرهنگی بر انتخاب حوزه‌ی مبدا در استعاره تاثیر می‌گذارند و نگرش عام درمورد هر حس را می‌توان در استعاره‌های مرتبط به آن حس یافت.

منصوبی (۱۳۸۹) به بررسی استعاره در زبان درد از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی می‌پردازد. داده‌های این پژوهش مشتمل بر ۸۷ جمله است که از خلال گفتار سخن‌گویان فارسی‌زبان هنگام بیان درد واز نمونه‌های در دسترس انتخاب شده است. روش گردآوری داده‌ها، به صورت مشاهده‌ای و ثبت اطلاعات بوده است. این داده‌ها از مکان‌هایی چون بیمارستان‌ها، مطب‌ها، مکالمه‌ی میان افراد خصوصاً "مکالمه میان پزشک و بیمار و حتی از جمله‌های به کاررفته در فیلم‌ها و سریال‌ها جمع‌آوری شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فارسی‌زبان‌ها در بیان درد خود از حوزه‌های مبدا مختلفی استفاده می‌کنند که منجر به ساخت استعاره-هایی چون "درد، ویرانی است"، "درد، صدای یک جانور است" و مانند آن می‌شود.

افراشی (۱۳۹۰/۲۰۱۱) به تحلیل مفهوم شرم در زبان فارسی پرداخته و به تفاوت‌های فرهنگی شرم در جامعه‌ی زبانی فارسی و جوامع غربی بویژه جامعه‌ی زبانی انگلیسی اشاره کرده است. وی برخی ارزش‌های فرهنگی مثبت مفهوم شرم و همین‌طور جنبه‌های کاربرد شناختی آن را مورد توجه قرار داده است. در این مقاله، اطلاعاتی در باره‌ی جایگاه شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی این حس ارائه شده و تحلیلی از آن نیز در چارچوب نظریه‌ی فرازبان معنایی طبیعی<sup>۱</sup> فراهم شده است.

ملکیان (۱۳۹۱) به بررسی کاربرد استعاره احساس در گفتار روزمره شهر تهران پرداخته است. نتایج تحلیل بر روی ۳۰۷ عبارت نشان می‌دهد که پرکاربردترین قلمروهای مبدا برای مفهوم‌سازی احساس در زبان فارسی به ترتیب عبارت است از ویرانی، بیماری و مرگ برای غم، وضعیت روحی و جسمی خوب و بالا رفتن برای شادی، رفتار و واکنش حیوانی و خرابی دستگاه و همین‌طور آتش و گرما برای خشم، از حرکت ایستادن، رنگ پریدگی و بیماری برای ترس و کالای با ارزش برای عشق. نتیجه تحلیل‌ها نشان می‌دهد که مجاز مبنا و زمینه‌ساز شکل‌گیری قالب استعاره‌ها در زبان فارسی است و عوامل فرهنگی نیز در شکل‌گیری استعاره‌ها تاثیر دارند.

شهرزاد پیرزادمشاک، عبدالرضا پاژخ و عبدالمجید حیاتی (۲۰۱۲) به بررسی میزان کاربرد استعاره‌های مفهومی خشم، شادی، غم، ترس و عشق پرداختند. در این پژوهش از میان متون ادبی انگلیسی و فارسی پیکره‌ای با ۷۸۲ عبارت استعاره‌ی احساسی استخراج شد و استعاره‌های احساسی در فارسی و انگلیسی تفکیک و مقایسه شد. البته هدف اصلی مقاله نشان‌دادن جهانی بودن استعاره‌های عواطف در دو زبان فارسی و انگلیسی است. در این مقاله در مورد هر احساسی مثال‌هایی از فارسی و انگلیسی آورده شده است.

طالبی (۱۳۹۱) به بررسی استعاره‌های مفهومی خشم در آزمون‌وران نابینای مطلق مادرزاد پرداخته است. در بررسی میدانی که به منظور واکاوی عمل‌کرد ذهن در چگونگی شکل‌گیری استعاره‌های خشم در نابینایان فارسی‌زبان، انجام گرفته، ۱۰ نابینای مطلق مادرزاد فارسی‌زبان و ۱۰ بینای فارسی‌زبان به عنوان گروه گواه بین سنین ۱۸ تا ۲۸ سال انتخاب شدند. این پژوهش استعاره‌های مفهومی خشم در زبان نابینایان مطلق مادرزاد در مقایسه با همتای بینایشان را از نظر قلمروهای مبدأ تحلیل نموده و میزان کاربرد مؤلفه‌های دیداری بر اساس مدل فورسیول در گفتار و نوشتار آزمون‌وران نابینا را مورد سنجش قرار داده است؛ نتایج پژوهش حاکی از آن است که گفتارگرایی در نابینایان موجب تشابه فراوان استعاره‌های خشم حتی استعاره‌های دیداری خشم در دو گروه شده است که این مسئله می‌تواند به باوری که منشأ استعاره را ذهن می‌داند، خدشه وارد کند.

<sup>1</sup> Natural Semantic Meta-Language

## ۲-۲-۲- مطالعات زبان‌شناسان غیرایرانی

نخستین و مهم‌ترین کاری که موجب گسترش پژوهش‌های شناختی در باره‌ی استعاره و ارتباط آن با شناخت شد؛ کتاب لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) با نام *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*<sup>۱</sup> است. آن‌ها بر این باورند که استعاره در زندگی روزمره، نه تنها در زبان بلکه در فکر و عمل ما نقش مهمی ایفا می‌کند. بر اساس شواهد زبانی بیان می‌کنند که ماهیت نظام مفهومی ما اساساً "استعاره‌ای است. نظام مفهومی ما نقشی مهم در تعریف واقعیت‌های روزمره‌ی ما دارند. از آن‌جایی که بخش اعظمی از نظام مفهومی ما استعاره‌ای است، بنابراین تفکر ما در مورد آن‌چه تجربه می‌کنیم و آن‌چه به‌طور روزمره انجام می‌دهیم، تا حد زیادی به استعاره مربوط می‌شود. آن‌ها استعاره را فرآیندی می‌دانند که به کمک آن مفاهیم و تجربه‌های انتزاعی را بر مبنای مفاهیم و تجربه‌های فیزیکی و عینی‌تر می‌توان درک کرد. نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی که لیکاف و جانسون آن را مطرح کرده‌اند، یکی از نوآوری‌ها در حوزه‌ی معنی‌شناسی شناختی محسوب می‌شود.

پس از آن، مطالعات فراوانی درباره‌ی استعاره توسط خود آن‌ها و دیگران انجام شد، اما به‌طور خاص می‌توان گفت در پژوهش‌های زیر به رابطه‌ی استعاره و احساس پرداخته شده است.

کووچش (۱۹۸۶) در تلاش است تا از ساختار سه مفهوم احساسی پرده بردارد: خشم، غرور و عشق. نتایج بررسی وی نشان می‌دهد که ساختار مفهومی مرتبط با این احساسات شامل چهار بخش می‌شود: (۱) نظام استعاره‌ها، (۲) نظام مجازها، (۳) نظام مفاهیم مربوط<sup>۲</sup> و (۴) مقوله مدلهای شناختی که یک مدل پیش‌الگو<sup>۴</sup> در مرکز آن جای دارد. این نگاه، مخالف دیدگاه قدرت‌مند ساختار مفاهیم در زبان‌شناسی، روان‌شناسی و مردم‌شناسی است زیرا بر اساس آن دیدگاه ساختار یک مفهوم بر مبنای تعداد کمی از بخش‌های حسی قرار دارد.

کووچش (۱۹۹۱) به بررسی نظام‌مندی از عشق رمانتیک از منظر زبان‌شناسی می‌پردازد. رویکرد وی بر اساس دیدگاه مفاهیم احساسی کووچش (۱۹۸۶، ۱۹۹۰) است که بیان می‌کند مفاهیم احساسی به‌طور عام و مفهوم عشق به‌طور خاص را می‌توان شامل چهار بخش دانست: نظام استعاره‌ها، نظام مجازها، مجموعه‌ای از مفاهیم مربوط و مجموعه‌ای از مدلهای شناختی (که یک یا چند مدل پیش‌نمونه در مرکز آن جای دارد). نخست استعاره‌های عشق، سپس مجازها و مفاهیم مربوط به آن رامشخص نموده و به دنبال آن توصیفی از مدل آرمانی عشق رمانتیک، که از این عبارتهای استعاره‌ی پدید آمده، ارائه می‌شود. در نهایت، پنج مساله‌ی اصلی در بررسی عشق مورد توجه قرار می‌گیرد: (۱) تعریف عشق، (۲) ماهیت عشق، (۳) دلیل وجود انواع بسیار متفاوت عشق و چیستی آن‌ها، (۴) نقش زبان در مطالعه‌ی عشق و (۵) روابط میان مدل عامیانه و نظریه‌های علمی عشق.

<sup>1</sup> *Metaphors We Live By*

<sup>2</sup> metonymy

<sup>3</sup> related concepts

<sup>4</sup> prototypical Model